

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران (۱۳۰۲-۱۳۰۵ش)

شهاب شهیدانی*، سمیرا اسدیان فعلی^۱، جهانبخش ثوابت^۲

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۱)

چکیده

در روند نهضت مشروطه، برخی زنان روشنفکر طالب حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی خود شدند و برای پیشبرد این اهداف به انتشار جراید زنانه با محوریت اصلاح وضعیت زنان اقدام کردند. با روی کار آمدن رضاشاه تحقق مفاهیم وطن‌پرستی، باستان‌گرایی و ترقی برای ساختن ایران نوین از سوی حکومت مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا مسئله زنان و آموزش آنان به‌منزله مادران آتیه، تربیت و نوع رابطه مادر و فرزند، ضرورت ایران متمدنی با تأکید بر خانواده مورد توجه جراید قرار گرفت. مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران از جمله نشریاتی است که با رویکرد ضرورت تربیت دختران و نقش آن‌ها در اجرای سیاست‌های جدید به چاپ رسید. سؤال پژوهش حاضر آن است که این روزنامه چگونه تربیت زنان را با دغدغه‌های روشنفکران و خواسته‌های حکومت مانند وطن‌پرستی، باستان‌گرایی و ترقی ارتباط داده است؟ فرضیه پژوهش آن است که این مجله با توجه به مقوله‌های نخست تربیت و سپس تحصیل، در جهت سیاست‌های کلانی که در آستانه حکومت پهلوی مطرح بود، ارتقای آگاهی دختران و دوری از جهل و خرافات را با توصیه انواع آموزش برای دختران مدنظر قرار داده است. این پژوهش با روش تحلیل محتوا و توصیف مقاله‌های مجله مذکور، به تشریح آراء نویسندگان آن در خصوص کارکردهای مختلف تربیت دختران خواهد پرداخت.

واژه‌های کلیدی: زنان، تربیت، ترقی ایران، وطن‌پرستی، پهلوی اول.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول)

*E-mail: shahidani.sh@lu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، لرستان، ایران.

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

مقدمه

زنان ایرانی تا پیروزی نهضت مشروطه، بنا به بی‌سوادی رایج و فرهنگ اجتماعی حاکم، عموماً نسبت به حقوق خویش در نظام خانواده و جامعه ناآگاه بودند. در جریان ضرورت نوسازی و دگرگونی جامعه پس از مشروطه، موقعیت زنان و حقوق آنان مورد توجه قرار گرفت. در عصر پهلوی اول با توجه به گسترش محدود آموزش، تا حدودی آگاهی به مسئله حقوق زنان در خانواده و جامعه در حال تغییر بود. فعالان این عرصه دریافتند که بدون شرکت زنان در حیات اجتماعی، امکان تحول جامعه وجود ندارد، لذا برخی حامیان حقوق زنان در شهرهای بزرگ برای آگاهی‌بخشی به زنان و جامعه نسبت به حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها تلاش کردند. در آغاز حکومت رضاشاه، معدود زنانی که با مدنیت غرب آشنا شده و چشم‌اندازهای جدید موجب بازنگری در شرایط زندگی فردی و اجتماعی آنها شده بود با تأسیس انجمن‌ها و انتشار جراید زنانه برای تغییر جایگاه اجتماعی زنان تلاش کردند. در دوران جدید، تلاش برای ساختن ایران نوین بر پایه‌های تجدد، تمرکز دولتی، ناسیونالیسم و باستان‌گرایی صورت گرفت و در این روند مشارکت زنان ضروری بود. از این رو وظیفه خانوادگی زن از دیدگاه نشریه جمعیت *نسوان وطنخواه ایران*، به تکلیفی ملی و پرورش نسلی وطن‌دوست و ترقی‌خواه ارتقا یافت. تا زمان چاپ مجله جمعیت *نسوان وطنخواه ایران* در سال ۱۳۰۲ش/۱۹۲۵م در زمینه تحصیل دختران و رفع بی‌سوادی و نادانی زنان که عامل ویرانی ایران و دوری از تمدن و پیشرفت تلقی می‌شد، تأکید زیادی شده بود. بنابراین، این جریده خلاف همتایانش، محور اصلی را بر نقش تربیتی زنان در خصوص ترقی و تغییر وضعیت ایران قرار داد.

پژوهش حاضر به شیوه تحلیل محتوا ضمن بررسی رویکرد مجله مذکور از تأثیر و رابطه تربیت زنان بر ساخت ایران نوین پرداخته است. شیوه تحلیل محتوا^۱ «تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیری و معتبر از داده‌ها درمورد متن آنها است و هدف، تحلیل فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است» (کرپندورف، ۱۳۹۰، ص. ۲۵). اصطلاح تحلیل محتوا، نامی است کلی برای روش‌های تحلیل، مانند روش‌های ژرفانگرانه یا درونی (تفسیر یا تأویل و تعبیر یا تبیین کیفیت

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران... شهاب شهیدانی و همکاران

محتوایی داده‌ها)، تحلیل ساختاری (پرداختن به شکل واژه‌ها، سبک و حجم مطالب برحسب موضوع) و تحلیل کمی (استفاده از آمار) (فرخزاد، ۱۳۸۴، ص. ۲۶۹). تحلیل محتوا، در واقع کشف محتوای پنهان داده‌ها یا واحدهای مورد تحلیل از ورای گفته‌ها، آمارها و تصاویر است. خواه واحدها متونی نوشتاری باشند یا اعداد و ارقام و جدول‌های آماری و یا دیگر موارد متعدد که می‌توان نام برد (همان). براساس یافته‌های پژوهش، رویکرد مجله نسبت به تربیت دختران در راستای تأسیس ایران نوین و همراهی با مؤلفه‌های خاص آن بود. از این رو، با تعریف و تشریح وجوه مختلف تربیت دختران از منظر نگاه نویسندگان نشریه به چرایی اهمیت تربیت زنان در این مقطع تاریخی پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با موضوع زنان و مطبوعات در این دوره اگرچه ابعاد مختلفی را دربر دارد، اما به موضوع کارکردهای تربیتی دختران در جراید اشاره نشده است. زهرا حامدی (۱۳۹۴) در مقاله «بازتاب تعاملات فکری اندیشه‌گران درخصوص آموزش زنان در دوره پهلوی اول مبتنی بر سه نشریه عالم نسوان و شفق سرخ و اطلاعات» به بحث زنان و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که از محورهای مهم این جراید، توجه به تربیت آگاهانه فرزندان با تأکید بر تربیت افراد میهن‌پرست است که مدارس باید عهده‌دار این وظیفه باشند. محسن بهشتی سرشت و محسن پرویش (۱۳۹۴) در مقاله «مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات قاجار (با تأکید بر نامه بانوان)» در کنار مباحثی همچون کار زنان، تساوی حقوق زنان و مردان، حجاب و در خلال مسئله تعلیم دختران، اشارات بسیار کوتاه و کلی به نقش تربیت مادران در تربیت فرزندان کرده‌اند. الهام ملک‌زاده (۱۳۹۱) در مقاله «جستاری بر تاریخ‌نگاری زنان در دوره پهلوی اول» برخی از منابع تاریخ‌نگاری دوره پهلوی اول را بررسی کرده است و اشاره می‌کند که نویسندگان برای ذکر اقدامات دولت مسائل زنان را مورد توجه قرار داده، اما همچنان نگاه سنتی به زن را در آثار خود حفظ کرده و به رابطه بین زنان و موفقیت دولت در رسیدن به اهدافش بی‌توجه بوده-

اند. رضا دهقانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی زنان این ایالت در دوره گذار از قاجار به پهلوی (۱۲۹۰-۱۳۱۰ش)» به بررسی نقش مطبوعات فارس در شناخت زنان از حقوق خویش پرداخته و در این راستا به تحول شرایط زنان خارج از ایران توجه داشته‌اند. برخی مقاله‌های جدید از جمله «آموزش زنان در مشروطه براساس مکتوبات زنان در روزنامه ایران نو» از سمیه سادات شفیعی (۱۳۹۷) و نیز مقاله پروین رستمی و جهانبخش ثواب (۱۳۹۸) با عنوان «اجتماعی شدن زنان در عصر پهلوی اول (امکان یا امتناع) ۱۳۰۴-۱۳۲۰» بعضی مطالب در باب حیات اجتماعی زنان و آموزه‌های سنتی و غربی را بررسی کرده‌اند که از حیطة زمانی از موضوع مورد بحث فارغ است. در مجموع اهمیت تربیت زنان و چرایی این امر در پژوهش‌های تاریخ مطبوعات این دوره مشاهده نمی‌شود. پژوهش حاضر مشخصاً بحث تربیت دختران و تأثیر آن در تحولات ایران نوین را مورد بررسی قرار داده است.

جمعیت نسوان وطنخواه ایران

انجمن‌های زنان در دوره مشروطه، در راستای رشد آگاهی، اندیشه و بیداری زنان ایران، برای ایجاد هم‌بستگی، شناخت موقعیت و جایگاه زنان در جامعه و در سطحی بالاتر آشنایی با مسائل سیاسی کشور تلاش کردند (وطن‌دوست، ۱۳۸۵، ص. ۱۷). بیشتر مؤسسان و اعضای اصلی جمعیت‌های زنان از خانواده‌های فرهنگی، اشراف و رجال سیاسی بودند که با استفاده از فضای پدیدآمده عهده‌دار نقش‌های اجتماعی همچون تأسیس انجمن، مدرسه و روزنامه شده و به فعالیت در حوزه حقوق زنان پرداختند. محترم اسکندری از شاهزادگان قاجاری در زمره این بانوان قرار داشت که جمعیت *نسوان وطنخواه ایران* را در سال ۱۳۰۱ش / ۱۹۲۴م با هدف ترویج معارف، تهذیب اخلاق، حفظ حقوق زنان، تبلیغ احساسات ملی و مبارزه با جهالت زنان تأسیس کرد (مجله جمعیت *نسوان وطنخواه ایران*، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۸/۱۳۰۵ ژوئیه ۱۹۲۵، ص. ۲). این انجمن تا سال ۱۳۱۴ش / ۱۹۳۲م دایر بود و به دلیل عضویت مدیران و معلمان مدارس دخترانه در آن، مورد اقبال دختران فارغ‌التحصیل مدارس جدید قرار

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران... ————— شهاب شهیدانی و همکاران

گرفت. اهداف این تشکل همچون سایر همتایانش به تحصیل دختران، ترویج صنایع داخلی، نگهداری از دختران بی سرپرست، تأسیس مرخص‌خانه برای زنان فقیر و کمک مالی به مدافعان وطن در موقع جنگ اختصاص داشت. افزون بر این، آنان اهداف درازمدتی نیز برای تأسیس «مدرسه‌ها، دارالصنایع‌ها، باغچه کودکان [پارک کودکان] برای اطفال نسوان بی‌بضاعت، دارالارضاع‌ها و دارالایتام‌ها»، انتشار مجله‌ها و تشکیل شعبه‌های این جمعیت در سایر شهرهای ایران داشتند (همان). همچنین، به تأسیس مدارس اکابر و ارائه لایحه به مجلس ملی برای بهبود شرایط زندگی زنان و همکاری با سازمان‌های حقوق زنان در سایر کشورها اقدام کردند (خسروپناه، ۱۳۸۱، صص. ۱۸۴-۱۸۹). فعالیت اخیر آنان بیانگر آگاهی انجمن از نهضت آزادی‌خواهی زنان غرب و بیان مشکلات زنان در جوامع غربی است (عاملی رضایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۲)؛ چنان‌که انجمن معرفی‌نامه‌ای برای صدیقه دولت‌آبادی در فرانسه فرستاد تا از طرف جمعیت با جوامع زنان اروپا وارد مذاکره شود و روابط دوستی لازم را برقرار کند (صنعتی و نجم‌آبادی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ص. ۳۶). سابقاً تشکل‌های زنان همچون انجمن مخدرات و وطن (۱۳۲۸ یا ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۰ یا ۱۹۱۱م) تقاضاهایی مرتبط با حقوق زنان، تحولات سیاسی کشور، عدم استقرار خارجی و رد اولتیماتوم روس از مجلس ملی داشتند، اما در خرداد ۱۳۰۴ش/ ۱۹۲۵م هیئت مدیره این جمعیت سه طرح به مجلس ملی برای تصویب ارائه داد: ۱. لزوم آزمایش خون و سایر معاینات پزشکی پیش از ازدواج، ۲. اعزام تعدادی از زنان بی‌بضاعت برای تحصیل مامایی در مصر یا بیروت، ۳. ترویج و گسترش لباس‌های داخلی در تمام مدارس و در صورت امکان توصیه به شکل و رنگ لباس (مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران، س. ۲، ش. ۹، ۱۸ تیر ۱۳۰۴ ۶ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۲-۳). این انجمن در سال ۱۳۰۵ش/ ۱۹۲۶م به بیداری زنان تغییر نام داد، ارگان آن، مجله بیداری زنان و اهداف آن به آزادی ملی، حقوق زنان، تبلیغ لباس داخلی و کشف حجاب محدود شد (وطن‌دوست، ۱۳۸۵، ص. ۱۸). جمعیت نسوان وطنخواه ایران، یک سال پس از آغاز فعالیت، مجله‌ای به این نام و به‌منزله ارگان تشکیلاتی خویش تأسیس کرد.

مجله جمعیت نسوان و طنخواه ایران

پس از انقلاب مشروطه، خواسته‌ها و نیازهای زنان در جهت تحول جایگاهشان هم از طریق انجمن‌ها و محافل زنانه، و هم از راه نامه‌نگاری برای مطبوعات پیگیری شد. مجله جمعیت نسوان و طنخواه ایران با سردبیری و صاحب‌امتیازی ملوک اسکندری در ۱۳۰۲ش/۱۹۲۳م توسط انجمنی به همین نام و به‌عنوان ارگان آن، با همکاری افرادی همچون نورالهدی منگنه نورانی، سعید نفیسی، ایرج و محترم اسکندری، عفت‌الملوک خواجه‌نوری، صدیقه دولت‌آبادی، فخرآفاق پارسا و فخرعظمی ارغون و با رویکرد علمی، ادبی و اجتماعی منتشر شد (مجله جمعیت نسوان و طنخواه ایران، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، ص. ۳). گردانندگان مجله به رویکرد معرفی‌شده وفادار ماندند، به‌نحوی که در هیچ‌یک از شماره‌های مجله مطالب سیاسی و مذهبی ارائه نشد و حتی به رویداد تأسیس سلسله پهلوی در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م نیز اشاره نشد. با وجود آنکه قرار بود مطالبی درباره زنان مشهور عالم، شرح حال ادبا و شعرای سلف با رویکردی ادبی و تاریخی، نوشته‌های زنان ادیب و شاعر اروپا، مقالاتی درباره اهمیت مقام زن در جامعه، نقش زنان در تربیت فرزندان وطن‌پرست، مقایسه زنان ایرانی با زنان دولت‌های متمدن، چاره‌جویی برای عقب‌ماندگی هم‌نوعان خود در ایران و ذکر اجتماعات و ترقیات زنان اروپایی منتشر کنند (همان، صص. ۱، ۲)، اما در عمل به‌جز پرداختن به مسائل تربیتی، تنها به معرفی کاترین دومدیدی و سیاست‌های او در ذیل شرح حال زنان مشهور عالم به قلم ایرج اسکندری بسنده شد (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، صص. ۱۳، ۱۴). مقایسه زنان ایرانی و اروپایی در واقع نقدی کوتاه بر تقلید زنان ایرانی از نمونه غربی بود (همان، س. ۱، ش. ۳، برج جوزا ۱۳۰۳، صص. ۱، ۲). قسمت ادبی مجله محدود شد به اشعاری از صادق بروجردی درباره اهمیت زنان (همان، س. ۱، ش. ۷ و ۸، ۱۳۰۳، صص. ۳۴، ۳۵). چند داستان درباره شرایط زندگی دشوار زنان ایرانی به قلم نویسندگانی همچون فخرعظمی ارغون (همان، س. ۳، ش. ۱۱، اول بهمن ۱۳۰۵/۱۸ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۲۹-۳۵) و ساسان کیارش گیلانی (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۱۰-۱۴) و نمایشنامه «عشق دروغی» از شاهزاده یحیی میرزا اسکندری که در اغلب شماره‌های مجله صفحاتی را به‌خود اختصاص می‌داد

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران...————— شهاب شهیدانی و همکاران

(همان، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، ص. ۲۵). با این حال نویسندگان مجله، خوانندگان را نیز به نقد مقالات خویش دعوت کردند (همان، صص. ۳، ۲۶). از مجله مذکور تا سال ۱۳۰۵ش/۱۹۲۶م، به جز شماره چهارم که به سبب مرگ ملوک اسکندری چاپ نشد، یازده شماره منتشر شد. در همین سال به دلیل مشکلات مالی که شرح مفصل آن در آخرین شماره مجله ارائه شد، از ادامه فعالیت بازماند (همان، س. ۳، ش. ۱۱، اول بهمن ۱۳۰۵/۱۸ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۱-۱۲). این جریده که به عنوان ارگان تشکیلاتی تأسیس شده بود، در مدت انتشار، از تمام اهداف جمعیت مذکور به نقش تربیتی زنان و به خصوص اهمیت و جایگاه زن ایرانی در مقام مادر و تربیت کننده فرزندان و وطن پرست توجه داشت، لذا فرصتی برای بیان سایر اهداف و راه کارهای مدنظر و به ویژه اخبار عملکرد انجمن در نشریه فراهم نشد.

مجله مذکور، ضمن نشر مقالاتی درباره زنان و اهمیت سلامت جسمی و روانی آنان و ترویج ورزش (همان، س. ۱، ش. ۷ و ۸، ۱۳۰۳، صص. ۵-۸؛ همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۵۰، ۵۲)؛ ضرورت آگاهی مادران جوان از سلامتی دوران بارداری و چگونگی مراقبت از نوزادان و نقد شیوه پیشینیان در این مورد (همان، س. ۱، ۱، ۱۳۰۲، صص. ۲۱، ۲۲؛ همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۴۸، ۴۹) بیش از همه به بررسی نقش تربیتی زنان و کودکانشان در تحقق آرمان‌هایی همچون وطن پرستی و ترقی ایران و آشنا با مقتضیات دنیای جدید اهتمام ورزید.

مقام زن در نگاه اندیشمندان غربی و شرقی

سال‌ها پیش از مشروطه، میرزا یوسف خان مستشارالدوله در کتاب تربیت نسوان به این واقعیت رسیده بود که «در بلادی که، آفتاب تربیت به مرز و بوم آن تافته است و مردم از مدارج علم، پای بر فراز فرقد نهاده‌اند، زنان را قدر و وقعی بسزاست» (آشتیانی، ۱۳۱۸ق، ص. ۱۳). از آغاز انتشار مطبوعات در ایران، توجه به غرب و دستاوردهای مترقی آن همواره بخشی از اخبار جراید بود. در ابتدا با توجه به نیازهای جامعه عقب-مانده ایران تحت حکومت استبداد، توجه خاصی به دستاوردهای سیاسی و صنعتی

غرب می‌شد. با گذشت زمان و بروز تحولاتی در این زمینه، به سایر وجوه تمدن غرب نیز توجه شد. یکی از این موارد، زندگی زنان غیرایرانی و تغییرات پدیدآمده در شرایط اجتماعی و سیاسی آن‌ها بود. توجه به حیات اجتماعی زنان اروپایی و مقایسه با زنان ایرانی در مجله جمعیت نسوان وطنخواه/ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است.

اگرچه نویسندگان مجله از تحولات فمینیستی غرب و نظرات زنانی چون ویرجینیا وولف و دیگران مطلع نبودند و اصولاً دیدگاه‌های فمینیستی را نمی‌توان به‌طور دقیق در این مجله دید، اما در پی تقویت جایگاه و نقش اجتماعی زنان ایران شواهدی از نظرات اروپاییان را نسبت به مقام و منزلت زن ارائه کردند. نویسندگان مجله با آگاهی از برخی واقعیت‌ها، جایگاه زن اروپایی در دنیای متمدن را ناشی از تغییر نگاه جامعه به مقام او می‌دانند. آنان با بیان برخی از این نظرات، تلاش کردند تا این جایگاه را برای خوانندگان خود قابل فهم و ملموس کنند. از جمله به نقل از برخی اروپاییان آوردند:

بنجامین کید: این حس عاطفه و محبت زن است که در قلب مرد اثر نموده این همه ادبیات را به‌وجود آورده است؛ لرد بیرون: قلب زن به‌قدری پاک و باعاطفه است که از هر ملت و طایفه باشد بی‌اختیار انسان را به‌خود جذب می‌کند؛ توماس کارلی: زن‌ها فقط برای پرستش خلق شده‌اند، زیرا در قلب کوچک آن‌ها تمام آثار بزرگی و جذاییت منقش است (مجله جمعیت نسوان وطنخواه/ایران، س. ۳، ش. ۱۱، اول بهمن ۱۳۰۵/۱۸ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۱۲-۲۰).

در تحلیل نویسندگان مجله، با طرح چنین نظراتی، مقام زن و شناخت ارزش انسانی وی در جامعه ایرانی بهتر درک و شناخته می‌شود. در مقام مقایسه و برای بررسی علل تحقیر، ستم و زندگی نابسامان زنان در دنیای غیرمتمدن، نگاه این جوامع به زن را مورد توجه قرار دادند و دریافتند که در شرق به‌ویژه در ایران نویسندگان کم‌تر به این مسئله حیاتی اهمیت داده‌اند. برای اثبات کلام و بدون معرفی کتاب یا نویسنده آن، به فرازی از کتابی اشاره می‌کنند: «زن بزرگ‌ترین دشمن مرد است، زیرا زیادی عاطفه او نسبت به مرد از تهور او می‌کاهد. پس در مواجهه با زنان شلاق را فراموش نکنید» (همان). ارزش اجتماعی زنان در این دیدگاه منطبق با نگاه عمومی ایرانیان بود. برای تعدیل این گفتار و بدون ذکر نام، سخن یکی از بزرگان شرقی را درباره اهمیت و اولویت تربیت دختران می‌آورند: وظیفه والدین تربیت فرزندان است، اما اگر از عهده تربیت هر دو

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران...————— شهاب شهیدانی و همکاران

جنس برنیامدند بهتر است اول دخترهای خود را تربیت کنند که مادران آئینه انسانی خواهند بود (همان). آنان متذکر می‌شوند که متفکران در دنیای غرب با بررسی مسئولیت زنان در زندگی خانوادگی و تأثیر آن بر جامعه به اهمیت تربیت و تعلیم زنان و تصفیه اخلاق آنان پی برده‌اند، چراکه دریافته‌اند زنان در مقام مادر اولین و مؤثرترین معلم اخلاقی و تربیتی بشر هستند (همان، س. ۱، ش. ۷ و ۸، ۱۳۰۳، صص. ۳۷، ۳۸). پرداختن به این موضوع به محور اصلی مجله در تشریح اهمیت دختران به‌عنوان مادران آینده و تربیت‌کنندگان نوع بشر تبدیل شده است. آنان با بررسی علل نگاه تحقیرآمیز به زنان، به تضاد این دیدگاه با شریعت اسلام اشاره کرده‌اند: مردانی که ودایع الهی را ضعیفه خطاب کرده و در عین حال بر او ستم روا می‌دارند، با شریعت اسلام و قوانین اخلاقی و حقوقی دین مبین دربارهٔ آنان آشنایی ندارند. پس برای آگاهی آنان به بیان برخی از بدیهی‌ترین قوانینی که از آیات قرآن قابل استنباط است، پرداخته و شرح مفصلی از حقوق زنان آزاد مثل شیر دادن به بچه‌ها (بقره: ۲۳۳؛ احقاف: ۱۵؛ لقمان: ۱۴؛ طلاق: ۶؛ قصص: ۷) و کار کردن در خانه شوهر را که بر ذمهٔ مردان قرار داده شده، بیان کرده و تأکید می‌کنند که «در دین مبین اسلام هیچ مردی غیر از حق مضاجعت حق دیگری به زن ندارد» (مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران، س. ۱، ش. ۷ و ۸، ۱۳۰۳، صص. ۳۲-۳۴) و در حاکمیت سیاسی جدید خواستار تحلیل نو و به‌دور از خرافات و تعصبات از شریعت بوده چراکه این دو را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند. در اثبات ارزش زنان در اسلام به مقام آن‌ها نزد پیامبر اشاره و این سؤال را مطرح کردند که: پیامبر با دیدن زنان در وادی جهالت چه کسی را به‌منزلهٔ مسئول این سرنوشت شوم مؤاخذه خواهند کرد؟ (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، صص ۱۰، ۲۹) و به مردان هشدار دادند تا حقوق زنان را محترم شمارند و به نام شریعت به آنان ستم نکنند. توجه به رعایت حقوق زنان و تربیت آن‌ها براساس شریعت در کتاب تربیت نسوان نیز مورد توجه نویسنده بوده است (آشتیانی، ۱۳۱۸ق، ص. ۱۴).

با توجه به فطرت یکسان موالید، در توضیح اهمیت مادران در تربیت فرزندان دانا به مقایسهٔ فرزندپروری زنان اروپایی و ایرانی پرداختند. آنان تفاوت بچه‌ها را در نوع پرورش مادرهای آنان جست‌وجو کردند و دریافتند که اگر نوزادان دنیای متمدن در

ایران متولد و زیر دست مادران ایرانی بزرگ می‌شدند، چون زنان ایرانی به دلایلی مثل عدم اجازه تحصیل و یا بی‌علاقگی به آن، خود در جهل به‌سر می‌برند، کودکان نیز که زیر نظر آن‌ها تربیت می‌شوند بهره‌ای از ترقی و علم نخواهند داشت (مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۴۵-۴۷؛ همان، س. ۱، ش. ۷ و ۸، ۱۳۰۳، صص. ۴۱، ۴۰). بنابراین، نقشی را که زنان در تربیت کودکان ایفا می‌کنند (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، ص. ۴۵) و رای اقدامات معلمان می‌دانند. همچنین، یادآور می‌شوند که تربیت و ادب زن باعث تأثیر آن بر کودک می‌شود (همان، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، ص. ۱۴). پس توصیه می‌کنند که برای سرفرازی ملت ایران باید مادران آینده وطن را با وظایف خاص خود آشنا کرد و اصلاح خانواده به‌عنوان اولین مدرسه فرزندان و مادران در مقام استادان آن باید مورد بازبینی قرار گیرد (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۵، ۶، ۱۸). آنان برای رسیدن به این هدف همه مسئولیت را به خانواده‌ها محول نکردند، زیرا این والدین خود پرورش‌یافته دوران جهالت جامعه بودند، پس بخشی از این وظیفه مهم را بر عهده «دایره تعلیمات نسوان وزارت معارف و اوقاف» نهادند و یادآور شدند که انجام آن «همین الان می‌باشد که دیگر نزدیک است رشته مختصری که باقی مانده پاره شود» (همان، س. ۳، ش. ۱۱، اول بهمن ۱۳۰۵/۱۸ ژوئیه ۱۹۲۵، ص. ۲۷). اولین بار نبود که عملکرد مادران ایرانی با مادران اروپایی مقایسه می‌شد. سال‌ها قبل نیز این بحث مورد توجه یکی از نشریات آزادی‌خواه قرار گرفته بود: «اگر مادران ما نظری به ترقی و تکامل اروپایی انداخته و یا یک نظر عمیقی در ترقیات آن‌ها بکنند خواهند دید که به‌واسطه تربیت مادران آن‌هاست که عاری‌اند از جهل و خرافات» (روزنامه ایران نو، ش. ۱۰۹، ۱۳۲۷، ص. ۳). آنان تأکید می‌کنند منظور از بیان انتقاد مذکور، تربیت کودکان ایرانی با فرهنگ اروپایی نیست، زیرا هر مملکتی مقتضیات فرهنگی خاص خود را دارد و از نظر آنان تقلید از علل بدبختی ایرانیانی است که برای نجات از مشکلات به تقلید از اعمال ملل متمدن روی آورده و داشته‌های خود را به دست فراموشی سپرده‌اند (مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران، س. ۲، ش. ۹، ۱۸ تیر ۱۳۰۴/۶ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۱۵، ۲۶). از این رو، نویسندگان مجله با درج اخباری از زنان دنیای متمدن و جایگاه

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران... شهاب شهیدانی و همکاران

بهرتر آنان سعی در ارائه الگویی مدرن برای زنان ایرانی داشتند. این مطالب البته کفاف مباحث نظری درباره زنان را نمی‌داد، اما برای اثبات و اقناع خواسته‌های گردانندگان مجله در نزد خوانندگانش کفایت می‌کرد. به نظر می‌رسد که حتی ارائه گفتاری از مقام و منزلت زن در مذهب اسلام و روایات، بیشتر برای ایجاد پشتوانه معنوی گفتار مجله در نگاه عموم مردم و خوانندگان بود تا تعارضی بین مطالب ارائه‌شده و مذهب احساس نکنند.

جهل، تحصیل و تربیت زنان

میرزا عبدالرحیم طالبوف، از نویسندگان و اندیشمندان معروف قاجاری، تربیت ملت را از اداره مملکت مشکل‌تر می‌دانست (طالبوف، ۲۵۳۶، ص. ۲۰۰). همراه با تحولات مشروطه و نگاه جدید به مقوله زنان، آموزش و تربیت آنان نیز مورد توجه قرار گرفت، هرچند این توجه بسیار کوتاه و فاقد تغییر محسوسی بود، اما زمینه را برای توجه به موضوع زنان در ادوار بعدی فراهم کرد. رویکرد مجله به مقوله جهل زنان تازگی دارد. برای بازنمایی وضعیت ناگوار جهل زنان، آن را همچون مرضی مسری اما با منشأیی نامعلوم معرفی کردند که برخی ایرانیان به دلیل کم‌خردی و ضعف دانش، میکروب آن را در فکر و جان خود پذیرا شدند و به مرور و در اثر معاشرت با آنان به دیگر مردم سرایت کرده و در سرتاسر ایران شیوع یافته است. به نظر آن‌ها فراگیر شدن این بیماری نباید باعث ناامیدی مردم از درمان شود، چراکه شرط اول درمان امراض تشخیص بیماری است و این اتفاق در ایران رخ داده و مابقی آن به همت اطبای ماهر نیازمند بود (مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، صص. ۲۳، ۲۴). از نگاه این مجله، سرمنشأ جهل زنان، همسران ناآگاه بودند که زن را به دلیل نقصان عقل، شریک مشکلات و موفقیت‌های زندگی به حساب نیاورده‌اند و این موضوع را مهر تأییدی بر نقص عقل مردان دانستند، زیرا ماحصل جهل آنان نسبت به ارزشمندی مقام زن و باطل ماندن قدرت تفکر زنان، درحقیقت نادیده گرفتن بهترین وسیله سعادت و پیروزی مردان بود (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، ص. ۷). در تشخیص این بیماری اجتماعی و راه علاج آن، کسب علم و دانایی و دوری از ناآگاهی، تبلی و خرافه‌گرایی

را که زادهٔ جهل بوده و به‌منزلهٔ عاداتی ناپسند در وجود زنان نهادینه شده بودند، معرفی کردند. با این حال مرزها و محدودهٔ این نواقص زنان، چندان که لازم است تصریح و مشخص نشد. این در حالی است که در سرگذشت همهٔ فرهنگ‌ها، هاله‌ای از خرافات کم‌وبیش بر گوشه‌هایی از زندگی مردم سایه افکنده و عصر قاجار و پهلوی نیز از این امر مستثنی نبود و این مسئله از موضوعات مورد توجه سیاحان اروپایی است. نوشته‌های آن‌ها رواج این گونه باورها را در میان مردم و به‌خصوص زنان نشان می‌دهد. اعتقاد به چشم‌زخم (کولیور رایس) و استفاده از طلسم و افسون برای دفع آن (دالمانی)، به تأخیر انداختن کارها به‌سبب عطسه (کولیور رایس)، بدشگونی برخی روزهای هفته برای انجام کارهایی خاص (دالمانی)، خطر آل برای زائو (پولاک) و ... نمونه‌هایی از هزاران باور خرافی مردمان قاجاری است. نکتهٔ مهم در گزارش سفرنامه-نویسان، گرایش بیشتر و پررنگ‌تر زنان نسبت به مردان در استفاده از طلسم و تعویذهاست. اگرچه این امر مرد و زن نمی‌شناخت، اما غالباً رفتاری زنانه تلقی شده و آن را ناشی از ضعف عقل زنان دانسته‌اند (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۱، ص. ۲۹، ۳۰).

پیش از مشروطه، نه به‌طور عام و گسترده، برخی خانواده‌ها به تحصیل دخترانشان اهمیت می‌دادند. این امر در برخی اشعار عامه انعکاس یافته است «دخترک عزیز من ز مدرسه طفره نرو/ شوق سواد پیدا کن قدری زرنگی یاد بگیر/ نه مثل بعضی دخترا داریه زرنگی یاد بگیر/ سواد خوبه درس بخون تو هالو چارشنبه نباش/ مفتخوری پیشه نکن پخمه و بی‌بته نباش» (حجازی، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۳، ۱۸۴). برخی خانواده‌ها نیز به‌سبب «کاغذپرانی‌های عاشقانه» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵، ج. ۳/ص. ۲۷۷) نگران باسوادی دختران خود بودند. با وجود این، در هر شهری به‌ویژه تهران، مکتب‌خانه‌های زنانه وجود داشت (همان، ج. ۴/ص. ۲۹۷) که غالباً قرآن، شرعیات و برخی متون ادبیات کلاسیک را آموزش می‌دادند (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، صص. ۱۶۰، ۱۶۱؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ج. ۱/ص. ۱۸). با اتمام این دوره، دختران باید ترک تحصیل می‌کردند و وارد عرصهٔ زندگی زناشویی می‌شدند. با پیروزی نهضت مشروطه، تحصیل دختران در مدارس جدید به‌عنوان عاملی مهم در شناخت هویت آنان و تلاش برای تغییر اوضاع ناگوار زندگی، مورد توجه فعالان اجتماعی قرار گرفت. تحصیل دختران به سبک جدید

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نساوان و نساوانه ایران... شهاب شهیدانی و همکاران
از مدارس میسیونری شروع شد (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص. ۵۹؛ مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۹). از آغاز تأسیس مدارس نوین در دوره ناصری (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ج. ۱/صص. ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۵۴-۲۶۱) تا یک سال پس از مشروطه، دختران سهمی از تحصیل در این مدارس نداشتند.

دولت مشروطه در متمم قانون اساسی در اصل هجدهم و نوزدهم تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع را بدون ذکر جنسیت، آزاد و تأسیس مدارس دولتی و ملتی را تأیید کرده و تحقق تحصیل اجباری را بر عهده وزارت علوم و معارف نهاد (رحیمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۷). عدم ذکر جنسیت در این قانون ابزاری برای حمایت از تحصیل دختران و محرکی برای عزم راسخ زنان در تأسیس مدارس دخترانه شد و زنان به صورت خودجوش اقداماتی برای تأسیس مدارس دخترانه کردند (روزنامه دانش، ش. ۴، ۱۳۲۸ق، ص. ۲؛ ملاح، ۱۳۸۵، صص. ۲۴-۳۲) و مدرسی همچون دوشیزگان، اسلامیة، ناموس، پردگیان، عفاف و تربیت توسط برخی زنان تأسیس شد (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص. ۳۰۲؛ وطن‌دوست، ۱۳۸۵، ص. ۱۹، ۲۰). از آنجایی که این اقدامات کافی نبود، دست به دامان وزارت علوم و خواهان تأسیس مدارس دولتی دخترانه شدند (روزنامه شکوفه، ش. ۱۹، ۱۳۳۳ق، ص. ۳). دوازده سال پس از مشروطه در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م، وزارت معارف تحت ریاست نصیرالدوله با تأسیس ده مدرسه ابتدایی دخترانه و مرکز تربیت معلم تلاش برای تحصیل دختران در مدارس دولتی را آغاز کرد (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص. ۳۰۴).

نشریات زنانه پیشین، توجه زیادی به تحصیل دختران کرده و مطالب زیادی در اهمیت آن نوشته بودند. نویسندگان این مجله نیز کسب علم را بهترین وسیله ترقی بشریت و صراط مستقیمی برای پیمودن راه پر پیچ و خم تمدن جدید می‌دانستند و با نقل حدیث معروف نبوی «علم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» (مجله جمعیت نساوان و نساوانه ایران، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، صص. ۴، ۷) انحصار علم‌آموزی در دنیای مردانه را به چالش کشیدند و برای افرادی که در ضروری نبودن امر تحصیل و تنویر افکار زنان دلایلی بی‌خردانه به‌نقص عقل و لیاقت آن‌ها اقامه (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، ص. ۱) می‌کردند، توضیح دادند که علت تاریخی جهل جوامع بشری و ناآگاهی نسبت به آن

نقص آموزش زنان بوده است (همان، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، ص. ۴). مطالب اندکی که درباره ضرورت و اهمیت تحصیل و نقش آن در تعالی انسان در این نشریه آمده با سایر جراید تفاوت چندانی ندارد، زیرا از نگاه آنان، از زمان مشروطه و انتشار جراید آزاد، تبلیغ و حمایت آن‌ها از تحصیل به صورت عام و تعلیم دختران در مدارس نوین به صورت خاص، کارهای دولتی و ملتی بسیاری در این زمینه صورت گرفته بود و مدارس مقدماتی، کم‌وبیش در غالب ولایات و شهرهای ایران تأسیس شده به طوری که در تهران «پایه ترفیات علمی نسوان به درجه‌ای رسیده که اگر نتوان ادعا [کرد] که در پاره شعب از علوم با مردان مقابله می‌نماید قطعاً نمی‌توان گفت از آن‌ها پست‌تر و یا در یک درجه نیستند» (همان، س. ۱، ش. ۳، برج جوزا ۱۳۰۳، ص. ۱).

رویکرد نویسندگان مجله به نقش زنان در جامعه، متفاوت از دیگر نشریات بود، مخصوصاً این رویکرد مبتنی بر اولویت تربیت نسبت به تحصیل دختران بود. به رغم ملازمت تعلیم و تربیت، از نگاه روزنامه، جدایی این دو، حاصل اعتبار بخشیدن بیش از حد به تحصیلات و کم‌توجهی به تربیت اجتماعی است. تفاوت اندیشه نویسندگان مجله درباره جایگاه زن و نقش او در خانواده و جامعه با این سؤال آغاز می‌شود که آیا افراد صرفاً با تحصیل در مدرسه صاحب اخلاق پسندیده می‌شوند و ویژگی‌هایی همچون ثبات قدم در راه وطن‌پرستی و تلاش برای ساختن جامعه‌ای جدید در جهان متمدن در تفکر آنان پدید خواهد آمد؟ در پاسخ به این سؤالات، نگاه خانواده‌ها به آموزش دختران و نتیجه تحصیلات آن‌ها در مدارس جدید مورد توجه قرار می‌گیرد. امروزه والدین، آموزش دختران را عبارت از تحصیل و یادگیری زبان‌های خارجی می‌دانند و از آموزش مهارت‌های خانه‌داری، مادری و همسر‌داری به آنان غافل مانده و تحصیل آنان به تعلیم خواندن و نوشتن منحصر می‌شود؛ به طوری که نتیجه تحصیل آن‌ها چیزی جز تکبر نسبت به دیگران و استفاده از برخی کلمات خاص در حین صحبت کردن نیست (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۴۷، ۴۸). درحالی که با توجه به نقش مهم دختران به‌منزله مادران آینده، برای پرورش فرزندان شایسته و کارآمد برای ایران نوین، باید قبل از هر تعلیمی آن‌ها را برای عالم شدن و عالم کردن تربیت کرد. از این رو، پیشنهاد شده است که پس از آموختن فنون

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران... شهاب شهیدانی و همکاران

زندگی و اخلاق حسنه به دختران دیگر معلومات علمی و فنی به آنان آموزش داده شود (همان، ص. ۵۰). به نظر آنان هرچند «تشریح علو مقام زنان در هیئت جامعه بشری با قلم یک کسی که از آن نوع به شمار می‌رود مورد طعن و لعن واقع خواهد شد» (همان، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، ص. ۱۹)، اما چون بالأخره مردانی روشنفکر به تساوی حقوق زن و مرد و به مقام برجسته زن معترف شده‌اند، پس زنان نیز نباید برای شناخت و معرفی ارزش والا و هویت واقعی خود به جامعه سکوت کنند. به رغم تغییراتی اندک در نگاه جامعه به ارزش زنان، با یادآوری گذشته که: «به این عالی مقامی و به این والامرتبتی، بدبختانه مظلوم شدیم!!» (همان، صص. ۱۹-۲۱) به آنان هشدار می‌دهند که برای جلوگیری از تکرار تاریخ رنج زنان، خود نیز باید در راه شناختن، شناساندن و تعالی مقامشان تلاش کنند و به نقش منفی زنان در پذیرش و استمرار شرایط نابرابر اشاره کرده‌اند. نویسنده که نگاهی منصفانه به این جریان تاریخی داشته است در کنار تلاش برای شناساندن جایگاه زنان در جامعه پیش و پس از مشروطه، راه حل تغییر اندیشه جامعه درباره زنان را کسب فضایل و کمالات همراه با تهذیب اخلاق و اصلاح معایب آنان معرفی کرده است، زیرا چیرگی و ستم مردان بر زنان را نتیجه بی علمی و بی تربیتی آنان دانسته، از این رو، راه میانه را مورد توجه قرار داده و در کنار اولویت نهادن به تهذیب نفس و کسب اخلاقیات از تحصیل علم و صنعت نیز غافل نبود.

از فحوای مطالب پراکنده و متکثر این مجله درخصوص جهل، تحصیل و آگاهی زنان معلوم می‌شود که در این خصوص چشم‌اندازهای مطمئن و روشمندی به دست نیامده است. باوجود آنکه تلاش نویسندگان مجله برای توضیح و تأکید مفاهیم تربیت و علم‌آموزی ستودنی است، اما عمده نظرات در این باب، بر محور کلیات تربیت، اخلاق، علم‌آموزی، آگاهی و حقوق زنان تأکید شده است، بدون آنکه نویسندگان مجله به مصادیق و وجوه عینی یا تعاریف نظری درست آن پی برده باشند. برای مثال در این جریده، برای معرفی خرافات و رسوم ناپسندی که زنان به آن مبتلا بوده به خوانندگان خود اطلاعات و تحلیل کافی و راهکار مشخصی ارائه نکرده است. درهم آمیختگی مضامین تربیت، علم، جهل و حقوق زنان یا ذکر عبارت‌های کلی در این خصوص، بیانگر عدم تسلط و آشنایی با راه برون رفت و حل درست مسئله زنان است. هم‌سویی

مجله با سیاست‌های فرهنگی پهلوی اول و توجه به مفاهیم ناسیونالیسم، ترقی کشور و تربیت مادرانی برای پیشرفت ایران تا حدود زیادی آن‌ها را از توجه به حقوق زنان فارغ از ملاحظات زمانه و اهداف حکومت بازداشته است. نمی‌توان انتظار حداکثری از نویسندگان مجله درباره‌ی ارائه‌ی نظر و راهکار عملی برای مسائل زنان با توجه به امکانات و مقتضیات این دوره داشت، اما به نظر طرح این موضوعات و از جمله راهکار تقدم تربیت و آگاهی، بر صرفاً آموزش و مدرسه رفتن دختران، بیانگر نقطه‌ی عطفی در حل برخی از مسائل زنان بود.

تأثیر تربیت دختران بر فرزندان

رضاشاه در آغاز قرن بیستم که در عرصه‌ی بین‌المللی قرن کودکان نام‌گذاری شده بود، به قدرت رسید. حکومت وی در پی اقتدار ملی و کسب وجهه‌ی بین‌المللی و بر پایه‌ی تجربیات پیشین و توجه به تحولات جهانی، کودکان را برای دستیابی به اهداف بلندمدت مورد توجه قرار داد و آنان به تدریج از اقلیتی خاموش در حاشیه‌ی اجتماع به گروهی مورد توجه جامعه تبدیل شدند (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۳).

زنان و کودکان دو مقوله‌ی بهم وابسته‌اند که محور آن نقش مادر به‌عنوان مربی کودکان است. نویسندگان این مجله با طرح مباحثی به اهمیت نقش تربیت دختران به‌منزله‌ی مادران آینده پرداخته‌اند. آنان با تعریف تربیت به‌منزله‌ی ترقی عقل و تهذیب نفس، تأکید کردند که تربیت از طریق تحصیل در مدارس به‌دست نخواهد آمد. بنابراین، باید مدرسه‌ای می‌یافتند که درس‌های تربیتی را آموزش دهند تا باعث آگاهی ملت شود (مجله‌ی جمعیت نسوان وطنخواه ایران، س. ۱، ش. ۳، برج جوزا ۱۳۰۳، ص. ۹). آنان این مدرسه را که مهم‌تر و پیش‌نیاز تعلیمات بعدی کودکان بود، خانواده معرفی کردند: باید در کنار مدارس رسمی تعلیم افراد در مدرسه‌ی دیگری به‌نام خانواده و با ریاست مادر صورت بگیرد (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، ص. ۱۸)، زیرا مقدمه‌ای منطقی و مکملی معقول برای تعلیم و تربیت بچه‌ها در مدارس بیرونی خواهد بود. برای تفهیم موضوع، سؤالاتی در این زمینه مطرح کردند: آیا همه‌ی مادران با نقش خود به‌عنوان اولین معلم فرزندان‌شان آشنا هستند؟ آیا همه‌ی آن‌ها توانایی انجام این

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران... ————— شهاب شهیدانی و همکاران

رسالت مهم را دارند؟ و سؤال مهم تر اینکه آیا دختران ایرانی برای این وظیفه مهم پرورش می‌یابند؟ آنان مادر را معلمی تعریف کردند که با توجه به ادبیات دینی، خداوند وی را برای تربیت و تهذیب اخلاق فرزندان خلق و موظف کرده است. مادران تربیت شده به منزله اولین مربیان اطفال می‌توانند مقدرات نیک و بد، سیرت زشت و زیبا، اخلاق خوب و ناپسند و سلامت جسم و روان را در وجود کودکان نهادینه کنند، زیرا اخلاق و آداب مادران تأثیر کاملی بر روحیه فرزندان دارد (همان، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، صص. ۷، ۸). از نگاه مجله، در هر دورانی اصلاح اخلاق جوامع انسانی وابسته به تربیت دختران به عنوان مادران و مربیان آینده نسل بشر بوده است (همان، س. ۲، ش. ۹، ۱۸، تیر ۱۳۰۴/۶ ژوئیه ۱۹۲۵، ص. ۲۵).

تربیت دختران به عنوان معلمان پرورش اخلاق انسانی در میان جوامع بشری و ایران، برتر از نشر علوم و معارف نوین است. مخصوصاً سفارش می‌کنند که به جای حقیر شمردن اولین معلم کودکان آتیه‌ساز، برای تربیت دختران و نه تحصیل آنان در مدارس، باید سدهای خرافاتی که در برابر ترقی آنان کشیده شده است، برداشته شوند؛ چراکه سعادت هر مملکت از نوع اندیشه و تلاش برای تربیت زنان قابل تفکیک نیست (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۱۸-۲۴). در اهمیت این امر تا جایی پیش می‌روند که با استناد به آیه «یرفع الله الذین امنوا منکم و الذین اتوا العلم درجات» (مجادله: ۱۱) از شر پدر و مادرهای جاهل به خداوند پناه می‌برند (مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران، س. ۱، ش. ۳، برج جوزا ۱۳۰۳، ص. ۱۰).

پس از این توضیحات، در بیان اهمیت نقش مادر در تربیت فرزندان به تعریف کلمه تربیت و کاربرد آن در ترقی ملل متمدن پرداخته و آن را مجموعه‌ای از صفات نیک و آداب و کمالات معرفی می‌کنند. برای درک درست خواننده از تربیت به منزله وسیله ترقی انسان، با ارجاع به تاریخ می‌گویند: ملت‌ها به واسطه تربیت از حسیض ذلت به اوج عزت رسیدند (همان، س. ۱، ش. ۱، ۱۳۰۲، ص. ۵). از این منظر اگر ایرانیان نیز موفق به اخذ تربیت شوند شاهد پیشرفت کشورشان خواهند شد. از این رو، بر کسانی که تحصیل در مدارس را مصلح اخلاق عمومی می‌دانستند خرده می‌گیرند که آیا صرفاً با نشر معارف دوران بدبختی مملکت پایان می‌یابد؟ و آیا با افتتاح مدارس

اخلاق عمومی اصلاح می‌شود؟ با این حال، به‌رغم تأکید بر تربیت، هیچ‌گاه تحصیل را نادیده نمی‌گیرند و بی‌ارزش جلوه نمی‌دهند (همان، س. ۱، ش. ۳، برج جوزا ۱۳۰۳، ص. ۱۰). اما با نقل قولی از گوستاولوبون که «ملل با تنزل اخلاق محو می‌گردند نه با تنزل معلومات» (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، ص. ۲۲) بر اهمیت تربیت انسان و به‌ویژه تربیت مادران برای ترقی و تعالی ملل تأکید بیشتری می‌کنند. آنان به ناآگاهی ایرانیان نسبت به مسئله تربیت دختران نقد وارد کردند: دانشمندان با دلایل عقلی، شرعی و منطقی وجوب تعلیم و تربیت زنان را ثابت کرده‌اند، زیرا بدون تربیت زنان و مراعات حقوق ایشان محال است که مملکت و ملتی به تعالی و ترقی برسد، اما هنوز در ایران توجهی به این مسئله مهم نشده است (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، ص. ۱). براساس فرهنگ مذهبی دیرپای ایرانیان، از زمان پیروزی نهضت مشروطه زنان غالباً برای درخواست مطالبات خود، به‌ویژه درخواست‌های برگرفته از فرهنگ غربی، از استناد به آیات و احادیث اسلامی بهره می‌بردند تا به مخالفان خود ثابت کنند که خواسته‌هایشان مخالف شریعت نبوده و قصد خروج از جاده عصمت و دیانت را ندارند. نویسندگان مجله نیز، دلیل شرعی تربیت دختران را در کنار دلایل عقلی و منطقی دانشمندان بیان کرده تا طرح آنان با پذیرش و اقبال عمومی بیشتری مواجه شود. ظاهراً نویسنده مقاله از روندی که در ایران برای امر تربیت دختران آغاز شده بود بی‌اطلاع بوده است، زیرا از سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۰م با ترجمه کتاب *تربیت نسوان* توسط میرزایوسف اعتصام‌الملک از عربی به فارسی، گروهی از نواندیشان به فکر ترجمه و نگارش کتاب‌هایی در این زمینه افتاده و *تعلیم البنات* اثر میرزا محمدعلی خان در سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۱م؛ *هنر دوشیزگان* تألیف آقامیرزا سید علیخان در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۵م؛ *تأدیبات الحسانات* نگاشته فخرالتاج در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۵م؛ و *تأدیبات البنات* نوشته حسین رمزی در سال ۱۳۳۹ق/۱۹۲۰م حاصل تلاش‌های آنها بوده که همه آنها آموختن هنرهای خانه‌داری را بر تحصیل علم و دانش برتری داده بودند (عاملی رضایی، ۱۳۸۹، صص. ۲۳۶-۲۳۸). با این حال، گسترش مطبوعات، روزنامه‌خوانی و اهمیت یافتن آن نسبت به رساله‌هایی که در موضوعات زنان در سال‌های قبل نوشته شده بود، این مطالب را برای عموم مردم خواندنی‌تر و تأثیر آن را بیشتر می‌کرد. بنابراین، نویسندگان با طرح

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان ووطنخواه ایران...————— شهاب شهیدانی و همکاران

مسئله اولویت تربیت دختران به نقش مهم آنان به منزله مادرانی آگاه تأکید می‌کنند، اما نکته آنجاست که این تربیت مادران از چه طریقی باید حاصل شود و مشخص نیست کدام نهاد و جایگاهی باید به مادران تعلیمات لازم را ارائه دهد تا آنها این مقدمات را به کودکانشان بیاموزند. اگرچه در این روند به مدارس اشاره می‌کنند، اما به صراحت آن را کافی نمی‌دانند. توصیه‌های این مجله در این مرحله بیشتر به نصیحت‌نامه زنان شبیه است.

تربیت دختران؛ حس وطن پرستی و ترقی کشور

ناسیونالیسم را نوعی از آگاهی ملی تعبیر کرده‌اند که غالباً پدیدآورنده حس وفاداری، شور و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت یعنی نژاد، زبان، سنت‌ها، عادات و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و به‌طور کلی فرهنگ است (آشوری، ۱۳۷۹، ص. ۳۱۹). ورود اندیشه‌های ملیت و وطن پرستی به ایران از طریق برخی اندیشه‌گران عصر قاجار همچون فتوحی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا یوسف مستشارالدوله و دیگران صورت گرفت و به مفهوم حفظ وطن از دست بیگانگان و دفاع در برابر تجاوزات آنان، نمود یافت (وطن‌دوست و همکاران، ۱۳۸۸، صص. ۱۸۵، ۱۸۶). تجددخواهان عصر رضاشاه برای ساختن ایرانی نوین به شیوه غربی خواهان تحکیم و گسترش وحدت ملی، حکومت مقتدر مرکزی و استقلال اقتصادی و سیاسی بودند و این ایدئال‌ها را در اندیشه ناسیونالیسم یافتند (معظم‌پور، ۱۳۸۳، ص. ۷۱، ۷۲). تاریخ ایران، به‌ویژه تاریخ باستان، در کانون توجه ناسیونالیست‌های این دوره قرار گرفت و تلاش‌های گسترده‌ای برای احیای مفاخر ملی و معرفی هنر، ادبیات، علوم و فنون ایران قدیم آغاز شد که برخی از این تلاش‌ها در قالب مقالاتی در مطبوعاتی همچون کاوه، ایرانشهر و ایران باستان قابل مشاهده است (همان، صص. ۱۵۵-۱۸۷). بنابراین، در فضای پس از مشروطه تا برآمدن رضاشاه، وطن‌دوستی، ملی‌گرایی و باستان‌گرایی بر روحیه و اندیشه روشنفکران و نویسندگان مجله نیز تأثیرگذار بود. از این رو، تعجبی ندارد که این مجله به نقش مادران در پدید آوردن حس وطن پرستی در وجود فرزندان و تعالی و ترقی ایران توسط این‌میهن‌پرستان بپردازد. در همین راستا تمدن قدیم ایران به‌عنوان بهترین

الگوی ترقی برای هم‌وطنان خود معرفی شد (مجله جمعیت نسوان و طنخواه ایران، س. ۲، ش. ۹، ۱۸ تیر ۶/۱۳۰۴ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۱۵، ۲۶)، اما این الگوی ایرانی به صورت کلی معرفی شده و به وجوه خاص تمدنی و اخلاقی آن که برای پیشرفت ایران لازم دانسته‌اند، اشاره ندارند. آنان مهم‌ترین علل ویرانی ایران را ناشی از خطاهای والدین به‌ویژه مادرانی می‌دانند که به‌واسطه جهالت خود از پرورش صحیح فرزندانشان بازمانده‌اند (همان، س. ۳، ش. ۱۱، اول بهمن ۱۸/۱۳۰۵ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۲۱، ۲۲)، زیرا از نظر آن‌ها تنها مادران عالم و آگاه به تکالیف فرزندپروری قادر هستند که جامعه‌ای را از حیث تمدن، قدرت و سیاست از سایر ملل ممتازتر کنند (همان، س. ۲، ش. ۱۰، ۱۵ بهمن ۹/۱۳۰۴ ژانویه ۱۹۲۶، صص. ۱۲). نویسنده به نقل از شیلر می‌نویسد: «گرسنگی و عشق تنها عواملی هستند که بشر را به کار و می‌دارند» (همان، س. ۱، ش. ۵ و ۶، برج اسد و سنبله ۱۳۰۳، صص. ۱۸). لذا عشق مادری را برتر از هر نوع تربیتی برای نسل بشر می‌دانند: «وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست/ یکی است کشتی و آن دیگری است کشتی‌بان/ مرز حادثه اندریم و حوادث دهر/ امید سعی و عمل‌هاست هم از این و هم از آن/ همیشه دختر امروز مادر فرداست/ ز مادر است مسیر بزرگی پسران» (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، صص. ۵). آنان وظیفه مادران را پرورش سیاستمدارانی وطن‌پرست، وظیفه‌شناس، کارآمد و با شرافت برای آینده ایران معرفی کردند، اما به نقد دختران ایرانی پرداخته که به سبب نداشتن مادرانی عالم با این وظایف خطیر آشنایی نیافته‌اند (همان، س. ۲، ش. ۱۰، ۱۵ بهمن ۹/۱۳۰۴ ژانویه ۱۹۲۶، صص. ۱۳).

همچنین به نقش تربیتی زنان درخصوص ترقی و تغییر وضعیت ایران توجه کرده و نابسامانی اوضاع کشور را تنها از عدم کفایت رجال ندانسته، بلکه برای رفع آن بررسی وضع اولین محیط تربیتی بچه‌ها یعنی خانواده و اولی‌تر مادر بچه را پیشنهاد کردند (همان، س. ۳، ش. ۱۱، اول بهمن ۱۳۰۵ / ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۵، صص. ۱۲). همچنین، میان سیاست و تربیت عمومی رابطه‌ای مستقیم برقرار کرده و اصلاح سیاست کشور را به مادران تحصیل‌کرده واگذار کردند تا با تربیت اولاد، راه سعادت جامعه را هموار کنند (همان، س. ۱، ش. ۳، برج جوزا ۱۳۰۳، صص. ۵). از نگاه این مجله، بهترین مربی کودکان مادران هستند که تربیت آن‌ها را مصاحب تمام عمر می‌دانستند. به مادران

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران... شهاب شهیدانی و همکاران

توصیه کردند به پسران خود به منزله آینده‌سازان ایران، پیام‌زنند که وطن‌پرستی برای ایران کهن‌سال و پرافتخار فقط منحصر به شعار دادن نیست، بلکه بذل مال و جان و در راه بی‌نیازی وطن محال را ممکن کردن است (همان، س. ۲، ش. ۱۰، ۱۵ بهمن ۱۳۰۴/۹ ژانویه ۱۹۲۶، ص. ۱۴) و نیز مادران بهتر است، برای سرمشق پسرانشان، به جای گفتن افسانه‌های دروغین، تاریخ ایران را به‌عنوان قصه برای کودکان خود بگویند و بزرگان علم، صنعت و ادبیات ایران را به آنان معرفی کنند تا زبان، عادات و اخلاق ملی کشورشان را بشناسند و بر سایر ملل ترجیح دهند و به آن عشق بورزند و خواهان شناساندن دشمنان ایران و ترغیب آنان به عداوت با آنها در کنار تلقین عشق به زبان، ملیت، نژاد و آب و خاک وطن باشند، به‌طوری که همواره ایران و سعادت ایرانیان را بر هر چیزی مقدم بدانند. از نظر نویسندگان مجله، انتقال احساس وطن‌دوستی به پسران بر عهده مادرانی است که حساس‌ترین ارکان ایران و حافظ استقلال کشور هستند. آنان دلیل ویرانی وطن را بی‌قیدی و بی‌علاقگی مردان ایرانی نسبت به مملکت خود معرفی می‌کنند، پس وظیفه مادران می‌دانند که این میدان بزرگ خالی از قهرمان را دوباره مملو از سلحشوران کنند. در همین راستا نقدی هم بر مدارس دارند که آموزش‌های تاریخی لازم را در برنامه درسی خود ندارند، زیرا در مورد ایران و سرنوشت تاریخی و بزرگان آن به دانش‌آموزان آگاهی‌های اصولی نمی‌دهند. از این رو، از مادران می‌خواهند تا در این زمینه وظایف مدارس را نیز برعهده گیرند. آنان اصل مهم پرورش پسران را تربیت وجدان و تقویت روح اخلاقی آنها می‌دانند و این قبیل امور را در ایران مسائلی فراموش شده معرفی می‌کنند (همان، صص. ۶-۱۱). این جریده فقط به تربیت پسران وطن‌پرست تأکید دارد و فقط انتقال این احساس را از طریق مادران وطن‌پرست امکان‌پذیر دانسته و در واقع زمینه آموزش اولیه به دختران را در این خصوص نادیده گرفته است.

اندیشه ترقی که در تاریخ اروپای سده هجدهم و پس از آن وجه غالب اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی شد، در ایران نیز انعکاس یافت و به‌ویژه با توجه به شدت ویرانی و نابسامانی سیاسی و اجتماعی ایران پس از مشروطه مورد توجه قرار گرفت. توجه به ارتباط میان تعلیم و تربیت زنان با ترقی کشور از دوره قبل از مشروطه وجود داشته

است. «حقایق تاریخی، خود دلیلی ظاهر است که پستی قدر تقدم نسوان، با پستی قدر و تقدم امت متلازم است» (آشتیانی، ۱۳۱۸ق، ص. ۱۲). نویسندگان مجله نیز به این امر نظر داشتند. آنان برای پیشبرد اهداف خود در این زمینه، توجه خوانندگان را به ترقی کشور معطوف کرده و نوشتند: بی‌تربیت و بی‌پرورش ماندن دختران ایران نه تنها ظلمی فاحش در حق آنان که درباره ملت و مملکت نیز خواهد بود. ظلمی که ایران را از قافله تمدن که سایر ملل دواسبه به طرف آن می‌تازند، عقب انداخته و ابرهای سیاه ظلمت و جهل را در سرتاسر افق این سرزمین پدیدار کرده است. به نظر آنان زنان را نباید تحقیر کرد و کارکرد آنان را فقط به تولید نسل منحصر دانست پس می‌خواهند که «اگر به حال زنان رحم نمی‌کنید به اعقاب ایرانی رحم آورید» (مجله جمعیت نسوان وطنخواه/ایران، س. ۱، ش. ۷ و ۸، ۱۳۰۳، ص. ۳۹)؛ اعقابی که زائیده همان زنان تحقیر شده هستند و باید نام ایران را در میان ملل مترقی بلندآوازه کنند. آن‌ها بیداری زنان معاصر را نتیجه قرن‌ها ظلم و فجایعی می‌دانند که بر سرنوشت آنان تحمیل شده و اکنون بر آن آگاهی یافته و برای رفع آن تلاش می‌کنند. پس به زنان ایرانی نیز توصیه می‌کنند که برای برانداختن این ظلم تلاش کنند (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، ص. ۱). «علاج درد زنان اتحاد و یکرنگی است/ به دست جمع کثیری ز جمله افراد است/ چو اتفاق نمایند با ظفر گردند/ که اتفاق پی داد رفع بیداد است» (همان، س. ۲، ش. ۹، ۱۸ تیر ۱۳۰۴ / ۶ ژوئیه ۱۹۲۵، ص. ۲۵، ۲۶). به باور آن‌ها جامعه‌ای که خود ذلیل، اسیر و از حقوق بشری محروم است، مادران این جامعه نیز «مصیبت‌کشیده، اهانت‌دیده، تو سری خورده، ذلیل، بی‌عزت نفس، بی‌اطلاع و جاهل موهومات‌پرست» (همان، س. ۳، ش. ۱۱، اول بهمن ۱۳۰۵ / ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۵، ص. ۸، ۹) خواهند بود و هیچ‌وقت صاحب فرزندان شایسته برای اصلاح حال جامعه نخواهند شد و این روند استمرار تاریخی خواهد یافت. از نظر آنان ایران در چنین شرایطی به سر می‌برد. آنان سعادت، اصلاحات، نجات و حیات ملت و مملکت را به دست زن‌ها می‌دانند، زیرا آن‌ها برای نجات کشور قادرند سدهای آهنی را که در راه ترقی ایران کشیده شده است، تخریب کنند. پس به مردان توصیه می‌کنند که جلوی ترقی و پیشرفت زنان را نگیرند، زیرا از این طریق ضربه‌های مهلکی به استقلال و حاکمیت ملی خواهند زد. با وجود دیدگاهی ناعادلانه به زنان و

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران... ————— شهاب شهیدانی و همکاران

جایگاه آن‌ها در خانواده و جامعه که به‌رغم تلاش‌های متمادی فعالان حقوق زن همچنان در جامعه غلبه داشت، اما یقین داشتند که در نتیجه تہذیب و تربیت صحیح «همان شیطان رحیم به ملک رحیم تبدیل» خواهد شد (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، ص. ۵). آن‌ها از ایرانیان وطن‌پرست و ترقی‌خواه و تمدن‌دوست، خواهان تعلیم و تربیت زنان بر طبق شرع و عقل و متناسب با احتیاجات جامعه بودند تا هم ایران «شرف و سعادت و عزت [یابد و هم زنان] عفت حقیقی و عزت نفس» بیاموزند (همان، ص. ۷) و به عادات زشت و اخلاق ناصحیح آگاهی یافته و از آن دوری گزینند، چراکه ناپسندی‌های اخلاقی زنان را ناشی از جهل آنان می‌دانند «اگر نیستی فکر تعلیم نسوان/ شریعت طریقت حقیقت نداری» (همان، س. ۱، ش. ۷، ۸، ۱۳۰۳، ص. ۳۵). نویسندگان مجله درنهایت به این نتیجه رسیدند که اینک زنان به معنی واقعی زندگی پی برده و با تمام قوا به خوشبخت کردن و تکمیل شخصیت خود خواهند کوشید. به نظر آنان زنان تربیت‌شده اکنون می‌دانند که باید با تمام معانی کلمه مادر آشنا شوند، چون تا امروز مادر جسد بود و پس از این باید روح، اخلاق پسندیده، فضایل، احساسات پاک، نیک‌بختی و افتخار نوع بشر باشد، زیرا به قول هوگو: «قرن بیستم قرن زنان است» (همان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۰۲، ص. ۵). بنابراین، نویسندگان مجله هرچند به‌صراحت به حس وطن‌پرستی دختران اشاره نکرده و از آموزش آنان در این زمینه غافل مانده‌اند، اما به تأثیر آنان در ایجاد این حس در روحیه پسران اعتراف کرده و آن را از شرایط مهم ترقی کشور به حساب آورده‌اند. در اینجا مسئله زنان تحت‌الشعاع ناسیونالیسم و وطن‌پرستی و حاکمیت ملی قرار گرفته است.

نتیجه

مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران همچون همتایان خود به امر اصلاح امور زنان توجه خاص داشته، اما رویکرد متفاوت آن در توجه و تقویت نقش اجتماعی دختران بیشتر در راستای کلیدواژه‌هایی چون ترقی ایران، وطن‌پرستی و ناسیونالیسم و هم‌سویی با سیاست‌های فرهنگی پهلوی اول بود. نقشه راه نویسندگان مجله برای سعادت و کمال زنان در گام نخست، تربیت اخلاقی و تہذیب نفس دختران و سپس تحصیل در

مدرسه و فراگیری درس‌ها بود. با این حال، اگرچه در این نشریه به مسائل حقوق زنان و خانواده، کودکان و نظام تربیت پرداخته شده است، اما این مؤلفه‌ها کارکردی براساس منویات حکومتی بود. حتی ارجاعات تاریخی برای مقایسه وضعیت گذشته ایران و روزگار مورد بحث مجله و توجه به تحولات غرب در عرصه زنان و به‌خصوص توجه به استنادات مذهبی که با روایتی عام و فاقد تحلیل کافی همراه بود مقدماتی برای برنامه‌ریزی فرهنگی زنان در چشم‌انداز آتی به‌شمار می‌آمد. نویسندگان مجله، مقوله تربیت به‌مثابه مهم‌ترین عرصه برای پیشرفت زنان و کشور ایران را قبل از حضور دختران در مدارس و در نهاد خانواده با محوریت مادران واگذار کرده‌اند. با توجه به زمان انتشار مجله که دوران قدرت‌یابی رضاخان و آغاز سلطنت وی است، نویسندگان مجله بیشتر به آرمان‌های روشنفکران این دوره نظر دارند و مطالب خود را در قالب این نظریه‌ها بیان کرده‌اند. بدون آنکه به زمینه‌ها و عوامل اجرایی آن توجه کافی کنند. این مجله به‌رغم تأکید بسیار بر امر تربیت دختران و اصلاح معایب اخلاقی و تربیتی آن‌ها و تأثیر آن بر مناسبات اجتماعی و سیاسی جدید، معایب تربیتی آنان را به‌طور دقیق مشخص نکرده و فقط از عنوان‌های کلی مثل خرافات و موهومات استفاده کرده‌اند و در بیان ضرورت تربیت نیز اشاره دقیقی به معنی تربیت نکرده و به‌عبارت کلی آن را تهذیب نفس تعریف کرده‌اند. با وجود چنین نواقصی، پرداختن به اهمیت مقوله تربیت در ارتباط با وضعیت آن روز ایران نشان از هوشمندی نویسندگان مجله در مطالبات زنان است و این مطالبات پیش‌درآمدی بر مباحث بعدی مطبوعات ایران در ارتباط با زنان بود. توجه به مقام زن در نگاه اندیشمندان غربی و شرقی و مقایسه تربیت مادران ایرانی و غربی، تربیت و جهل زنان و تربیت کودکان از مواردی است که در این مجله مکرراً بحث شده است، اما کانون اصلی این مباحث، رابطه‌ای مستقیم بین تربیت مادران، ترقی ایران و پرورش فرزندان وطن‌پرست و توجه به مؤلفه ترقی بود و برای نیل به این مقصود راه‌کارهایی همچون معرفی بزرگان علم و ادب ایرانی را درپیش گرفتند. با عطف به مقتضیات دوره زمانی مورد بحث و کاستی‌های نظری و عملی مطالبات زنان در مقاله‌های مجله مذکور تأکید بر مؤلفه‌های موردبحث در این مجله بی‌ارتباط با آسیب‌شناسی کلی جامعه ایرانی و به‌خصوص حیات اجتماعی زنان و راه‌های برون‌رفت از آن، مقارن روی کار آمدن حکومت پهلوی نیست.

سال اول

شماره ۱

مجله

جمعیت نسوان وطنخواه ایران

۱۳۰۲

علمی ادبی واجتماعی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول - شاهزاده ملوک اسلندری
(در هر برج يك مرتبه طبع و نشر میشود)

محل اداره

خیابان آرامنه پل امیر بهادر جنب کارخانه چراغ برق
کوچه اسدالله خان سرهنک نمبر ۱۹

وجه اشتراك

در داخله: سالیانه ۱۵ قران شش ماهه ۸ قران

در خارجه: سالیانه ۲ تومان شش ماهه ۱۱ قران

تك شماره سی شاهی

قیمت اعلانات سطرې يك قران

بدون شیزگان مدارس در قیمت بطور کلی تخفیف داده میشود

کهن جامعه خویش پیراستن به از جامعه عاریت خواستن

در (مطبوعه قناعت) بطبع رسید



Central Library

Tehran University

اولین قدم

آنستکه به‌صورت برادری و توفیق دینی بولین، شیخه جمله ما از این معلومات مطلع بود، و نخستین قدم را برای زنی و تعالی نوشت. درحالتی است که بتوفیق خداوند ما الهامی کتب این راه، عزاز و عولاف را پیوسته از عهد این مؤلفیت ملاحظه برآیم. لذا برای هدیه شیخه اول جمله نسوان و عولاف را تقدیم صانع عوطفان می‌نمایم. **جمله نسوان** برای اینکه اجلا خواطر قارئین محترم را از مسلك و وضع جمله مسیوق نماید، عسری از ترتیب آنرا از نظر خوانندگی میگذرانیم. (اولاً) این جمله مرکب از چندین قسمت است که هرکدام در موفیق خود خالی از اهمیت نیست. خصوصاً قسمت اولی آن که فوق‌الذکر مهم و حیاتی توجه است. مثلاً «دیدم» بخصوصی جامع بنسوان مشهوره ما، و حالات امده و شعراء سلف و غیره از مآخذ جبرمندان ذکا و نوتهجات و شاهکارهای آنجا که علاوه بر جنبه ادبی خود، جنبش کواخ است که دانش آن‌ها بر هر فردی که در پیش کلام ای واجب است.

— * —

یکی از سنده مو نسوانت که خصوصاً جانب توجه عوولاف است و بسیار بنظر لطیف بدان یادگارند، نوتهجات زنان اوبیه و نظره اروپ است که خارج از حد برای نسوان سلطنت ما لازم است. مثلاً نوتهجات (زوزان) و (مادام هوستال) که اخیر نسوان عالمه بر فلسفه فرانسه عسویت و اروپایان را خصوصاً بکتاب آنتیا میل و افرست و مقالات ادبانه که جامع ماحمد زکات درحیث جامعه و نواید زنان عالمه برای تفهیمت و ملت و تربیت اولاد خوب و شایسته برای وطن کزالی بس شایسته و الفانی تلقین آرزوینکته شهر بخود بیرون آورده‌اند.

بعلاوه قسمت های مهم دیگر هر نظر گرفته شده و چنانچه ذکر شد در موفیق خود کم اهمیت نیست. مثلاً جامع عسطنقعه و تقاعداری بن کله‌ها از نسوان ایران بلاتان بدون شمه و زنی آنها و طب پوهن نسوان ما از جمله آمدن و جاریه برای زنی زنان ایران و تربیت تقاعداری امثال و تربیت اولاد وطن و وضع ماحمد امثال که خصوصاً این قسمت را عیبیک از زبان وطن ما سرآمدت نگرد.

و ذکر اجتهادات نسوان و اخبار رفیقان زنان دنیا در هر موفیق برای اروپا و تشویق عوولاف محترمه و انبیه به‌نام نسوان مفیده باشد خواهد شد. خلاصه چون مضمود ما ذکر غیرت مختصری از مسلك و موضوع این

کتاب خطیبی، عسری بر برادری، مسجون عسری، عسطنقعه و نظره و غیره است. مثلاً عسطنقعه

— * —

جمله است به‌این جهت که مختصر دلیل به جزو تذکرات اکتفا کرده و کلاهما ختم می‌کنیم. این جمله نیز از دو قسمت جانی و معنوی هر قسمتی که فایده عمومی خاصه نسوان را مترب و توادد دهد ذکر نمود. مرحله از عسارند مثالینت‌رفت آمال و مقام خود را بر واد خدمت وطن و نسوان عاجزانه در خواست‌میتزاید امیدواریم که فطرا و اما از فرستادن مقالات مایند امسال ترمود موزک‌کشان این جمله را رعیت ملت خویش سازند و چون بنگاه مضمود ما صحیح مایند نسوان است از قرائین محترم نشنا داریم که خاطر علمی و فقه در نوتهجات ما ندرسته و خطای ما را آسانش فرمایند. آنچه بنظر میرسد برای املاجات نسوان کلیتاً بتوسط مدیر دفتر مجله خاطر نشنا سازند. (انسان عولاف عسیت)



— * —

لزوم تربیت نسوان

علم تربیت اخلاق

علم معشرین وسیله تربی و مستقیم ترین راه کتن هر آنچه سرآمدات و کتانه این فاعده و افاده این فایده‌اند که بنفشای (طلب علم فریده علم کل معلوم و مسلمت) تحصیل علم و کمال و ترقی از حیث جسمانی و احوال واجب و فریده اینست بر تاد امره سلطین ذکورا و انثا اجر غیر حاصل زندگانی حکم امر و قانون و حال بدست علم سرآمدت نکته غول غیر مسود و حفظ حقوق بشریت و بلایه نفس تربیت و امالی احوالی متوقوف بشلیکات اگر تعلیم نباشد هیچ جادفی چند خود را احساس نگردد و در هر امر علمت و استفاده قدم لغواهد گذاشت و عسطنقعه اخلاق و تربیت واجب که خودکلمه فرحت مبارکه علم است بسمل نظر آهدند.

تربیت

این کلمه تربیت و پر معنی لغات تک و آداب و کلمات و مقام و فنون را معنوی است. چقدر قابل دقت و لازم اشرافه مشاهده تاخر عرب چه خوب می‌گوید (کیس البینم الذی مات والله ان البینم یتیم العظم و الایم) برای اندهاس بخیر هیچ دردی بدتر از درد که تربیتی است جسد حیوان

تربیت دختران از نگاه مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران... شهاب شهیدانی و همکاران

پی‌نوشت

1. content analysis

منابع

الف) کتاب‌ها و مقالات

- آشتیانی، ی. (۱۳۱۸ق). تربیت نسوان. تبریز: معارف.
- آشوری، د. (۱۳۷۹). ما و مدنیت. تهران: صراط.
- اتحادیه، م. (۱۳۷۷). اینجا طهران است ... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۹۶ق. تهران: تاریخ ایران.
- اعتمادالسلطنه، م.ح. (۱۳۸۹). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. تهران: امیرکبیر.
- پولاک، ی. ا. (۱۳۶۸). ایران و ایرانیان. ترجمه ک. جهانداری. تهران: خوارزمی.
- حجازی، ب. (۱۳۸۴). زنان ترانه، بررسی حضور زن در ترانه‌ها و اشعار عامیانه ایران. تهران: قصیده‌سرا.
- خاطرات مونس‌الدوله (۱۳۸۰). به‌کوشش س. سعدوندیان. تهران: زرین.
- خسروپناه، م.ح. (۱۳۸۱). هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی. تهران: پیام امروز.
- دالمانی، ه.ر. (۱۳۷۸). از خراسان تا بختیاری. ترجمه غ.ر. سمیعی. تهران: کاووس.
- دولت‌آبادی، ص. (۱۳۷۷). نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها. به‌کوشش م. صنعتی و ا. نجم‌آبادی. نگرش و نگارش زنان.
- دولت‌آبادی، ی. (۱۳۶۱). حیات یحیی. تهران: فردوسی.
- دهقانی، ر.، و رزازی، ر.، عربخانی، ر.، و محمدخانی، ف. (۱۳۹۸). تأثیر نشریات فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی زنان این ایالت در دوره گذار از قاجار به پهلوی (۱۲۹۰-۱۳۱۰ش). جامعه‌شناسی تاریخی، ۲، ۵۵-۸۵.
- رحمانیان، د.، و حاتمی، ز. (۱۳۹۱). سحر و جادو و طلسم و تعویذ در دنیای زنان در عصر قاجار. جستارهای تاریخی، ۲، ۲۷-۴۴.
- رحمانیان، د.، و حاتمی، ز. (۱۳۹۳). کودکی و تجدد در دوره رضاشاه. مطالعات تاریخ فرهنگی، ۲۰، ۶۱-۸۴.
- رحیمی، م. (۱۳۸۹). قانون اساسی مشروطه ایران و اصول دموکراسی. تهران: نیلوفر.

women's education from the view point of the magazine *Jamiyateh Nesvaneh Vatankhaheh Iran* (1923- 1926)

Shahab shahidani^{1*}, Samira Asadian Fely², Jahanbakhsh
savagheb³

Received:04/01/2020 Accepted: 01/09/2020

Abstract

In the process of the constitutional movement, some intellectual women demanded their individual, family and social rights, and in order to advance these "goals", they published women's newspapers with the focus on improving the status of women. With the coming to power of Reza Shah, the realization of the concepts of patriotism, antiquity and progress to build a new Iran was considered by the government. In this regard, the issue of women and their education as future mothers, upbringing and the type of mother-child relationship, the need for a progressive Iran with emphasis on the family was covered by the media. *Iran Patriotic Women's Magazine* is one of the publications that was published with the approach of the necessity of educating girls and their role in the implementation of new policies. The question of the present study is how did this newspaper relate the education of women to the concerns of intellectuals and the demands of the government such as patriotism, archeology and progress?

The research hypothesis is that this magazine, considering the first categories of education and then education, in order to promote the awareness of girls and avoid ignorance and superstition in the direction of the macro policies that were proposed on the eve of the Pahlavi government, by recommending various types of education for girls.

Keywords: women; Education; The progress of Iran; nationalism; first pahlavid.

-
1. Assistant Professor, Department of History, Lorestan University, Lorestan, Iran
(Corresponding Author) shahidani.sh@lu.ac.ir
 2. PhD student in the history of Islamic Iran, Lorestan, Iran.
 3. Professor, Department of History, Lorestan University, Lorestan, Iran.

